

پیشگیری غیر کیفری از جرایم زنان با رویکرد فقهی حقوقی^۱

سید علیرضا حسینی^۲

آرش صباحی^۳

چکیده:

انریکوفری که تدابیر واکنشی-کیفری- را در مبارزه با بزهکاری ناموفق دید، هم ارزشهای کیفری یا جانشینهای کیفری را به منزله‌ی تدبیری تکمیل کننده در کنار نظام کیفری برای مقابله با جرم پیشنهاد کرد. از آن هنگام تا به امروز، در زمینه‌ی پیشگیری از جرم، نگرش‌ها، نظریه‌ها و الگوهای گوناگونی مطرح گردید. «پیشگیری از جرم» از نظر لغوی به معنای جلوگیری کردن، مانع شدن و جلو بستن آمده است. (عمید، ۱۳۶۰). از حیث اصطلاحی، پیشگیری از جرم در مقررات ایران تعریف نشده است و تنها نویسندگان «لایحه‌ی پیشگیری از جرم» آن را از رهگذر ماده‌ی (۱) «پیش بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن‌ها» تعریف کرده اند. در باور جرم شناسان این واژه در دو معنای موسع و مضیق به کار رفته است. در معنای موسع، پیشگیری از جرم در برگیرنده‌ی هر اقدامی- اعم از کیفری و غیر کیفری است که به دنبال کاهش میزان بزهکاری است. در معنای مضیق، پیشگیری از جرم هر گونه تدابیر غیر کیفری با هدف مقابله با علل جرم زا و اثر گذاری بر فرصت‌های پیش جنایی است، به گونه‌ای که بتوان با بهره گیری از ساز و کارهای غیر قهرآمیز بر شخصیت افراد و وضعیت پیش از بزهکاری تأثیر گذاشت تا از بروز جرم جلوگیری شود. (با توجه به نقش اساسی زنان در رشد و پرورش کودکان به عنوان نسل آینده، سلامت اخلاقی و رفتاری آنها نیز دارای اهمیت بالایی میباشد. هرچند زنان به حد چشمگیری غیر مجرم به نظر

^۱ - تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۱۵

^۲ - استادیار دانشگاه حضرت معصومه(س)

^۳ - گروه حقوق، گرایش جزا و جرم شناسی

می رسند، ولی آمارها حکایت از افزایش نرخ بزهکاری زنان در چند دهه اخیر دارد. به همین لحاظ بررسی عوامل بزهکاری زنان بسیار مهم می باشد تا از طریق شناسایی این عوامل بتوانیم قدمی در کنترل جرایم زنان برداریم.

کلید واژه ها: پیشگیری، غیر کیفری، جرایم زنان، فقه و حقوق.

مقدمه:

از همان انتخاب موضوع، تعیین اهداف اولیه در جهت تحقق بخشیدن به آن ها مدنظر بوده است. بی گمان در فضایی که دفاع از انسان ها، کرامت و حقوق آنها امری ضروری است، باید به زنان به عنوان طبقه ای که در رشدی زوال جامعه نقش اساسی ایفا می کنند، توجه خاص مبذول گردد، زیرا وقتی زنی به عنوان ریشه و بنیان خانواده به بزهکاری متمایل گردد از دیگر اعضای خانواده- به ویژه فرزندان - نمی توان انتظار داشت که در راه درست گام بگذارند.

بر این اساس، تلاش گردید که به شیوه ای روشمند، با در نظر داشتن قواعد و ویژگی های کلی روش علمی تحقیق و با حرکت در مسیر و چارچوب خاص، اهداف مورد نظر محقق گردد.

اهداف کلی از انجام این تحقیق را می توان در قالب محورهای ذیل بیان داشت:

۱- تقویت و پیشبرد دانش پیشگیری در زمینه های راهکارهای غیر کیفری مقابله با بزهکاری زنان.

۲- شناسایی علل و عوامل بزهکاری زنان و رسیدن به نتایج راهبردی در قبال موضوع.

۳- تقویت بنیان خانواده و ارزش های دینی و مذهبی در جامعه و خانواده

سوالات تحقیق:

۱- مهمترین راهکارهای پیشگیری غیر کیفری از بزهکاری زنان چیست؟

۲- اساسی ترین نقش خانواده پیشگیری غیر کیفری از بزهکاری زنان چیست؟

۳- حجاب و ازدواج و سایر آموزه های دینی تا چه میزان میتواند در کاهش جرم موثر باشد؟

و با توجه به نقش اساسی زنان در رشد و پرورش نسل آتی سلامت اخلاقی و رفتاری آنها بسیار اهمیت دارد .

گفتار اول : تلاش برای تحکیم بنیان خانواده

نظر به اهمیت نهاد خانواده در شکل گیری شخصیت افراد و کنترل و هدایت اعضای آن، خانواده دارای کارکرد بسیار قوی و مؤثری می باشد. اصولاً در جامعه باید تلاشهای لازم در جهت تحکیم بنیان خانواده از طرق مختلف پیگیری شود. تلاشهای لازم در خصوص تحکیم بنیان خانواده ها می تواند در سطوح مختلف ارائه شود. مهمترین مسأله آموزش افراد است که منجر به رشد فرهنگی جامعه و افراد خانواده خواهد شد و باید در دستور کار همه بخشهای مختلف مربوطه قرار گیرد. بعد از رشد فرهنگی و آموزش افراد، رسیدگی به وضعیت اقتصادی خانواده ها، عامل مهمی در جهت حفظ خانواده ها محسوب می شود. برای اینکه خانواده دوام و پایداری داشته باشد، لازم است نیازهای عادی و اساسی آن به طریق معمول برطرف شود، در غیر این صورت امکان از هم پاشیدگی خانواده بسیار زیاد خواهد بود. در خصوص تحکیم بنیان خانواده ها باید گفت، فروپاشی خانواده ها معمولاً به وسیله طلاق یا جدایی زوجین شکل می یابد، هر چند در بسیاری از خانواده ها علیرغم جدایی زوجین، خانواده از ثبات متعارف برخوردار نمی باشد، اما معمولاً اثرات طلاق به گونه ای بسیار ملموس بر شخصیت و منش افراد قابل مشاهده است. جهت تحکیم خانواده ها، بررسی موضوع طلاق می تواند بسیاری از نقاط مبهم موضوع را آشکار کند و کمک می کند تا بتوانیم تلاش های لازم را در خصوص دستیابی به یک خانواده پایدار و محکم در دسترس داشته باشیم. برای تضمین بقای خانواده ها، باید به طور همه جانبه به تدوین برنامه های مفید همت گماشت:

- مدارس باید برای تربیت اجتماعی بکوشند و به موازات افزایش کمی و مادی به رشد کیفی و معنوی نیز همت گمارند.

- مفهوم زناشویی و هدف عالی پیمان مقدس زناشویی باید به پسران و دختران تعلیم داده شود و باید با آگاهی کامل به قبول چنین مسئولیتی تن در دهند.

- احیای یکی از سنتهای دیرین یعنی نامزدی که قانون مدنی کشورمان نیز بر روی آن صحنه گذاشته است.

- انجام آزمونهای روانی قبل از ازدواج که از بروز مشکلات احتمالی در آینده جلوگیری کنند.

گفتار دوم) تأثیر ازدواج در کاهش بزهکاری

منشاء بسیاری از خشونت‌های جنسی عبارت از کنترل نشدن غریزه سرکش جنسی و شهوت انسان‌هاست. اگر این غریزه در جامعه در جامعه با تسهیل ازدواج دائم و فرهنگ سازی صحیح جهت ازدواج دائم یا موقت کنترل شود نه تنها بسیاری از جرائم جنسی از بین می رود بلکه از برخی جرائم خشونت بار دیگر نیز پیشگیری به عمل خواهد آمد. تأثیر ازدواج در پیشگیری از جرائم جنسی به حدی مورد توجه است که گاه در سیاست جنایی اسلام مقامات رسمی عدالت کیفری پس از اجرای واکنش کیفری علیه مجرم طی یک اقدام بازدارنده شرایط لازم را به منظور نکاح مجرم فراهم می سازند و این در واقع یک اقدام مناسبی در جهت پیشگیری از چنین جرائم خاصی می‌باشد. در روایتی نقل شده که امیرالمومنین پس از اجرای مجازات تعزیری در مورد یکی از مجرمین جنسی، خود امکان ازدواج وی را فراهم ساخته و هزینه آن را از محل درآمدهای عمومی تأمین نمودند. (حر عاملی، ۱۴۱۴) لذا مقامات رسمی اداره جامعه اسلامی مکلفند تدابیری را درباره زنان و دختران فاسد که زمینه و فرصت بزهکاری در جامعه اند به کار گیرند و زمینه ازدواج آنان را فراهم سازند همچنین دولت باید شرایط اولیه ازدواج را برای زنان بی بضاعت فراهم سازد.

گفتار سوم: حمایت مالی و معنوی از زنان

در بیشتر کشورها چه شهرها و چه در روستاها اکثریت افراد سرپرست خانواده را مردان تشکیل می‌دهند؛ اما در این میان تعداد خانواده‌هایی که توسط زنان سرپرستی می‌شوند، رو به افزایش است. عوامل متعددی باعث این افزایش می‌شود که از میان آنها می‌توان مهاجرت به کشورهای خارجی، مهاجرت از شهر به روستا و بیوه یا مطلقه بودن زنان نام برد.

در کشورهای توسعه یافته و صنعتی جهان، توجه خاصی نسبت به این گونه زنان می‌شود و این دست از زنان، از بیمه‌ها و حمایت‌های خاص اجتماعی بهره می‌برند. به عنوان مثال در ایالت متحده آمریکا، زنانی که شوهرانشان توانایی کار کردن ندارند، هر ماهه کمک هزینه خاصی را دریافت می‌کنند در صورتی که این دسته از زنان دارای فرزند صغیر باشند، میزان کمک هزینه ی آنها افزایش می‌یابد. زنان بیوه و مطلقه ای که ازدواج نکرده باشند، حداقل به میزان ۷۵ درصد از آخرین دستمزد و حق بیمه شوهر خویش کمک هزینه دریافت می‌دارند. این میزان همچون مورد قبل در صورت وجود فرزند صغیر افزایش می‌یابد. (روشن دل، ۱۳۷۷)

در کشور استرالیا زنان خانه داری که قادر به کار نباشند یا سن آنان از شصت سال تجاوز نماید، خود به خود مشمول مستمری هفتگی واقع می‌شوند. زنان بیوه که همسر خود را از دست داده باشند در صورتی که دارای اولاد بوده و حقوق و دستمزد آنان کفاف زندگی را ندهد، مشمول دریافت کمک هزینه می‌گردند. (پیرویان، ۱۳۷۷)

در خصوص حمایت از زنان بی سرپرست در نظام حقوقی ایران باید اشاره نمود به اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به موجب آن دولت موظف است حقوق زن در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین و نسبت به حمایت مادران بالخصوص در دوران بارداری، حضانت فرزند، حمایت از کودکان بی سرپرست و ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست اقدام نماید.

ماده‌ی ۱ قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست که در راستای این اصل تصویب گردیده است، مقرر می‌دارد: «به پیروی از تعالیم عالییه اسلام در جهت حفظ شئون و حقوق اجتماعی زن و کودک بی سرپرست و زدودن آثار فقر از جامعه اسلامی ایران، زنان و کودکان بی سرپرست که تحت پوشش قوانین حمایتی دیگر نیستند از حمایت‌های مقرر در این قانون بهره‌مند می‌شوند».

با این وجود، بسیاری از زنان و دختران بی سرپرست، مطلقه، سالخورده، بیوه و خانه‌دار تحت پوشش و حمایت قرار ندارند و از طرفی حمایت فقط آن زنانی را شامل می‌شود که نمی‌توانند از نظر مالی نیازهای اولیه‌ی خود را برطرف سازند.

به طور کلی زنان بی سرپرست کمتر به بخش اشتغال راه پیدا می‌کنند. از آنجاکه اکثر زنان بی سرپرست فاقد تحصیلات عالییه می‌باشند، بیشتر در بخش غیر رسمی فعال هستند. البته شرایط زندگی برای زنانی که دارای شوهران از کار افتاده، بیمار، زندانی و متواری هستند بسیار بحرانی‌تر و تأسف برانگیزتر است؛ اینان حتی اگر تحت پوشش سازمانهای متولی هم قرار بگیرند، از آنجا که حمایت این سازمانها متناسب با شاخص هزینه‌های زندگی نمی‌باشد، حمایت‌های کافی و مؤثری نیست. بدین ترتیب زنان خانه‌دار در رویارویی با انواع مشکلات اجتماعی و اقتصادی از یک سو و تنگناها و نواقص سیستم فعلی در هنگام بروز حوادث محتمل و قطعی نظیر سالخوردگی، از کار افتادگی، بیماری و رها شدگی از سوی دیگر، از آینده‌ی امنی برخوردار نیستند، لذا لازم است با ایجاد ساختارهای تأمینیه جهت بیمه زنان خانه‌دار ضمن تحقق بخشیدن به آزادگی و کرامت انسانی آنان، آینده‌ای به دور از دغدغه‌های اقتصادی و اجتماعی برای آنان فراهم ساخت.

گفتار چهارم: زن و ضرورت حجاب

زن به سبب ظرافتی که دارد، موجودی خواستنی است و احتمال می رود، دچار فتنه شود^۱ یا دیگران را به فتنه وا دارد، از این روست که از آیات و روایات استفاده می شود که از او^۲ خصوصاً زن جوان - خواسته شده است، خود را با حجاب نگه دارد. از اختلاط و هم صحبتی با مردان پرهیز کنند و تا سر حد امکان از محیط خانه بیرون نروند. (منتظری ۱۴۰۹)

زن مسلمان آدابی دارد که یکی از آنها حجاب است. حضور زنان در مجامع و کارهای اجرایی با رعایت حجاب و حفظ حدود اسلامی حتی اگر زیاد باشد، هیچ گونه اشکالی ندارد. (جناتی ، ۱۳۸۰) بر هر زنی حجاب واجب است الا زنان مسن که می توانند بی حجاب باشند، البته در صورتی که کرشمه و تبرج نداشته باشند. (موسوی ، ۱۳۷۴)

حفظ حجاب و ترک جلوه گری ثمرات بسیاری دارد که برخی از آنها عبارتست از آرامش روحی، استحکام پیوند خانواده، حفظ نسل، جلوگیری از سوء قصد و تجاوز، پیشگیری از امراض مقاربتی و روانی، پایین آمدن آمار طلاق، خودکشی، فرزندان نامشروع و سقط جنین، از بین رفتن رقابت های منفی، حفظ شخصیت و انسانیت زن و نجات او از چشم ها و دل های هوس بازی که امروز دنیای غرب و شرق را در لجن فرو برده است. (قرائتی ، ۱۳۸۳)

متأسفانه در برخی جوامع و کشورها فرهنگ برهنگی زنان و حضور آنان در صحنه ی اجتماع با حقوق و تکالیفی مشابه و مساوی مردان موجب شده خانواده به عنوان کانون اصلی پرورش اجتماعی افراد متلاشی شده و از ایفای نقش اساسی و حیاتی خود یعنی تربیت آینده سازان جامعه بازمانده و موجب تشدید معضل بزهکاری در جوامع شده

۲. ر.ک. احزاب / ۳۲.

است. این امر علاوه بر آنکه روشن و بر همه کس واضح است، مورد اعتراف جرم شناسان غربی نیز قرار گرفته است. (دادبان، ۱۳۷۷)

بی حجابی آفات زیر را می تواند داشته باشد:

رونق گرفتن چشم چرانی و هوس بازی، توسعه ی فساد و فحشا، سوء قصد و تجاوز به عنف، بارداری نامشروع و سقط جنین، پیدایش امراض روانی و مقاربتی، خودکشی و فرار از خانه در اثر آبروریزی، بی مهری مردان چشم چران به همسران خود، بالا رفتن آمار طلاق و تضعیف روابط خانوادگی، رقابت در تجملات، ایجاد دلهره برای خانواده های پاکدامن. از این رو، قانون مجازات اسلامی بد حجابی را مورد جرم انگاری قرار داده است. (قرائتی، ۱۳۸۳)

بدیهی است که رفتار و اعمال بزه دیده به طور مستقیم یا غیر مستقیم در ایجاد تمایل و انگیزه ی مجرمانه و مهیا ساختن زمینه ی بزهکاری مؤثر است. زنان می توانند، یاد بگیرند از موقعیتهایی که احتمالاً آنان را در مقام بزه دیده شدن قرار می دهد، دوری کنند. بنابراین زنان به عنوان آماج چنین جرایمی باید از دسترس بزهکاران و هوس بازان حفظ شوند. در این رهگذر دولت با نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف می تواند نقش بسزایی در پیشگیری از بزه دیدگی این قشر آسیب پذیر ایفا نماید

مبحث اول: معنای حجاب

حجاب در لغت از ریشه حجب می باشد، به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. یعنی هر چه چیزی را از چیزی منع کند. چنانکه راغب اصفهانی آن را به معنای مانع گرفته است و آورده "الحَجَبُ و الحِجَابُ: المنع من الوصول". در اصطلاح معنای دقیقی از حجاب وجود ندارد لکن با مراجعه به عرف حجاب بیشتر استعمال شده است به پوششی که زنان و دختران باید رعایت نمایند و بدن خود را از نامحرم بپوشانند که در ادامه اشاره

خواهیم کرد این معنا معنای کامل و جامعی نمی باشد زیرا تمام انواع حجاب را در بر نمی گیرد لذا باید معنایی از حجاب ارائه شود که شامل تمام انواع حجاب شود..

در پایان ذکر این نکته ضروری است که فقها در گذشته کلمه ستر را در مورد پوشش زنان در کتاب صلاه و کتاب نکاح استفاده می کردند و کلمه حجاب نسبتاً در مورد پوشش بانوان جدید می باشد.

مبحث دوم: ابعاد حجاب

حجاب اسلامی ابعادی گسترده دارد و یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابعاد آن، حجاب درونی و باطنی و ذهنی است که فرد را در مواجهه با گناه و فساد، از عقاید و ایمان راسخ درونی برخوردار می‌کند؛ و اساساً این حجاب ذهنی و عقیدتی، به منزله‌ی سنگ بنای دیگر حجاب‌ها، از جمله حجاب و پوشش ظاهری است؛ زیرا افکار و عقاید انسان، شکل دهنده‌ی رفتارهای اوست.

البته، همان‌گونه که حجاب و پوشش ظاهری، لزوماً به معنای برخورداری از همه‌ی مراتب عفاف نیست، عفاف بدون رعایت پوشش ظاهری نیز قابل تصور نیست. نمی‌توان زن یا مردی را که عریان یا نیمه عریان در انظار عمومی ظاهر می‌شود عقیف دانست؛ زیرا گفتیم که پوشش ظاهری یکی از علامت‌ها و نشانه‌های عفاف است، و بین مقدار عفاف و حجاب، رابطه‌ی تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد.

بعضی نیز رابطه‌ی عفاف و حجاب را از نوع رابطه‌ی ریشه و میوه دانسته‌اند؛ با این تعبیر که حجاب، میوه‌ی عفاف، و عفاف، ریشه‌ی حجاب است. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند، ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند.

این حجاب، تنها پوسته و ظاهری است. از سوی دیگر، افرادی ادعای عفاف کرده و با تعبیری، مثل «من قلب پاک دارم، خدا با قلب‌ها کار دارد»، خود را سرگرم می‌کنند؛ چنین انسان‌هایی باید در قاموس اندیشه‌ی خود این نکته‌ی اساسی را بنگارند که درون

پاک، بیرونی پاک می‌پروراند و هرگز قلب پاک، موجب بارور شدن میوه‌ی ناپاک بی‌حجابی نخواهد شد.

مبحث سوم: انواع حجاب

همانطور که آورده شد با توجه به معنای قصاص، شمول آن وسیع می‌باشد و دارای انواعی است که از جمله آن عبارتند از: حجاب بدن (پوشش بدن)، حجاب زبان، حجاب چشم، حجاب رفتار و ... که توضیح آن به تفصیل در ذیل خواهد آمد.

۱) حجاب در پوشش

یکی از انواع حجاب، حجاب در پوشش می‌باشد که در معنای عرفی نیز با شنیدن حجاب، همین امر متبایر می‌گردد. شارع مقدس نیز به این مهم توجه داشته است و به پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است: " يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْتَكِبَ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا" (احزاب/۵۹)

"پیامبر، به زنان و دخترانت و نیز به زنان مومنین بگو خود را بیوشانند تا شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند. و خداوند بخشنده مهربان است."

در معنای جلباب که در این آیه به آن اشاره شده است لغویان معنای مختلفی ذکر کرده اند « بعضی آن را به چادر و مانند آن، که از سر تا پا را می‌پوشاند تعریف کرده‌اند. بعضی دیگر آن را به پوشش بزرگ‌تر و بلندتر از روسری و کوتاه‌تر از چادر که سر و گردن و سینه و مقداری پایین‌تر از آن را می‌پوشاند و بعضی نیز به همان روسری (خِمار) تعریف کرده‌اند."

ولی آنچه می‌توان از این کلمه دریافت این است که جلباب یک نوع پوششی است برای زنان و دختران برای مصون ماندن از اذیت و آزار هوسرانان و شناخت خود به عنوان

بانوان اسلامی در جامعه. همانطور که از معنای آیه در می یابیم، شارع مقدس با تاکید بر حجاب زنان و دختران مومن به دنبال تحقق دو امر می باشد:

اولاً؛ به دنبال تحقق امینیت و اسایش زنان و مورد سوء استفاده قرار نگرفتن آنان و اینکه با حجاب خود را مانند مروارید درون صدف حفظ نماید که این امر نشان دهنده توجه، لطف و مرحمت خداوند متعال نسبت زنان و دختران می باشد که در هیچ مکتبی یافت نمی شود حتی طرفداران حقوق زنان همچون فمینیست نیز از این امر غافل بوده و آزادی زن را در بی حجابی و روابط بی حد و مرز می دانند.

ثانیاً؛ به دنبال یک نوع پوشش رسمی اسلامی (حجاب اسلامی) می باشد که وقتی زن و دختر مسلمان در انظار عمومی ظاهر می شود او را به عنوان یک بانوی مسلمان شناخته که این امر باعث می شود دیگران نیز در برخورد با او شئون اسلامی را مراعات نمایند و ایضا یک نوع تبلیغ حجاب اسلامی می باشد و این امر در جوامع امروزه که بانوی مسلمان در کشورهای غیر مسلمان دیگر برای کارهایی چون شرکت در سمینار علمی، تحصیل در دانشگاه و... سفر می نماید کاربرد فراوان دارد.

علاوه بر آنچه آمد قرآن مجید به شکل ظریفی نخست به زنان سالمند اجازه می دهد که بدون قصد تبرج و خودنمایی، لباس های رویی خود، مثل چادر را در مقابل نامحرم بردارند، ولی در نهایت می گوید: اگر عفت بورزند، یعنی حتی لباس هایی مثل چادر را نیز بر ندارند، بهتر است «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». (نور/۶۰)

۲) حجاب در نگاه کردن (حجاب چشم)

انسان موجودی رو به سوی تکامل است و برای تکامل خود نیاز به کسب علم، دانش و تجربیات می باشد که یکی از راه های کسب این امور برخورداری از قوه بینایی است، لذا خالق هستی بر انسان منت نهاده و قوه بینایی را در اختیار او قرار داده است و انسان در

طول روز با بسیاری از مردم در حال برخورد و مراوده می باشد و بسیاری از چیزها در اطرافش نظر او را به خود جلب می نماید.

پس این وظیفه انسان است که از این موهبت الهی چگونه استفاده نماید، به همین علت شارع مقدس به مرد مسلمان توصیه نموده است چشمان خود را از نگاه به نامحرم بپوشانند و فرموده: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...» (نور/۳۰) و زنان مسلمان را نیز توصیه به این امر نموده است: "وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ..." (نور/۳۱)

همانطور که آورده شد انسانها و بلاخص مومنین باید نسبت به چشم های خود و نگاه به دیگران مراقبت نمایند، چنانکه پیامبر اسلام فرمودند: هر عضوی زنایی دارد و زنای چشم، نگاه کردن است. منظور حضرت هر نگاهی نیست بلکه نگاه هوس و گناه آلود است و تنها مختص به زنان نمی باشد.

۳) حجاب در رفتار

نوع دیگر حجاب از منظر قرآن، حجاب در برخورد و رفتار می باشد که انسانها باید در برخورد خویش با دیگران و اعمال خود مراقبت نمایند چراکه تمام اعمال آنها در روز قیامت محاسبه می گردد و به اندازه دانه خردلی به کسی ستم نخواهد شد. از این رو خالق هستی مومنین را توصیه به رفتار نیکو می نماید و یکی از این رفتارهای نیکو، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است که به زنان دستور داده شده است به گونه ای راه نروند که با نشان دادن زینت های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند. "... وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ..."

در جوامع امروزه که بسیاری به دنبال مد و تجدد می باشند و عده ای به دنبال فخر فروشی به دیگران می باشند، اسلام به محکمی زنان را از آشکار کردن زینت خود و جلب توجه نمودن منع می نماید. در گذشته برخی زنان خلخال که نوعی پابند زنانه برای زینت می بود را برپا می بستند و به گونه ای راه می رفتند که صدایی ایجاد می شد و

جلب توجه می کرد که با نزول این آیه این امر منع گردید. اخبار وارده از ائمه نیز تاکید به رعایت حجاب در رفتار شده است، به عنوان نمونه حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام در مورد اینکه برخی زنان در بازار راه می رفتند و شانه خود را به مردان می زدند، برای راه باز کردن فرمودند آیا حیاء نمی کنید؟

البته ذکر این نکته واجب می باشد که شارع مقدس به دنبال سلب زینت از زنان نیست چرا که خداوند به زن زینت بخشیده است و همانطور که در احکام فقهی وجود دارد از زینت زنان حمایت می نماید. به عنوان نمونه اگر شخصی عمدا موی زن را بکند در صورتی که مو دوباره نروید برای او قصاص و در صورت عدم قصاص دیه کامل و جود دارد.

اگرچه قصاص و دیه برای کندن مو در مردان نیز مانند زنان ثابت است لکن در زنان در صورت روئیدن دوباره مو مهرالمثل ثابت می گردد اگرچه شارع مقدس اهمیت به سزایی نسبت به رفتار زنان قائل است لکن این به معنای عدم رعایت حجاب در رفتار توسط مردان نیست بلکه با مراجعه به آیات و روایات در می یابیم اسلام مردان را نیز توصیه به رفتار صحیح نموده از جمله در ورود به منزل دبگران که قبل از ورود اجازه بگیرید و تا اجازه داده نشده وارد نشوید.

۴) حجاب در گفتار

سخن گفتن و تکلم یکی از نعمت های خداوند متعال بر بندگانش می باشد و ابزاری است برای ارتباط با دیگران و نشر اندیشه ها با (انسان باید در برخورد با دیگران و صحبت با آنان از اصولی پیروی نماید و نکاتی را رعایت نماید، از اینرو رعایت حجاب در گفتار نیز مورد تاکید دین اسلام می باشد و مانند موارد فوق زنان در این امر بیشتر مورد خطاب شارع قرار گرفته است و خداوند زنان را توصیه می نماید با مردان به نرمی و نازکی سخن نگویند تا بیمار دلان دچار هوس شوند و به طمع افتند "فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ" (احزاب/۳۲)

علاوه بر آن موارد دیگر زنان و مردان را مورد خطاب قرار داده است تا آداب صحبت کردن را در مواردی چون: صحبت با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، مناجات و صحبت با خالق هستی، صحبت با یکدیگر و... نیز مورد تاکید قرار گرفته است که همه نشان از رعایت حجاب در گفتار می باشد.

آنچه در انواع حجاب آمد اگرچه جای یک نوع حجاب نیز خالی می باشد و آن حجاب در شنیدن است، لکن شنیدن به دو گونه می باشد: یک نوع شنیدن ارادی (اکتسابی) است که ما در صحبت هایمان با دیگران می شنویم و نوع دوم شنیدن غیر ارادی (انتسابی) است که در طول روز صدا هایی به گوشمان می خورد مانند زمانی که از کنار دو نفر عبور می کنیم و قسمتی از صحبت های آنان را می شنویم و یا زمانی که در حال مطالعه هستیم صدای تلویزیون به گوشمان میخورد و موارد بی شمار دیگر.

در مورد نوع اول رعایت حجاب لازم است و ما باید با افرادی معاشرت کنیم و در جاهایی قرار بگیریم که سخن هایی که دریافت می کنیم برای ما مفید باشد و این امر در آیات و روایات به روشنی نمایان است. نوع دوم نیز اگرچه اراده ما نیست ولی می توان در چنین شرایط ذهن خور را بیشتر معطوف آن نکرد یا اگر سخن نامربوط است یا ربطی به ما ندارد از آن رد شد و به تجسس یا شرح تفصیل آن نپرداخت.

گفتار پنجم: آثار حجاب در پیشگیری و سلامت روان

کار آمدی حجاب در پوشش

عده ای مطرح می نمایند که در مورد محجبه ها نیز بزهکاری و بزه دیدگی صدق می کند چنان که برخی در لغای حجاب نیز مرتکب جرم می گردند و یا بر روی آنان جنایت واقع می گردد، پس چه فرقی است بین کسانی که حجاب خود را حفظ نمی نمایند با کسانی که چنین حجابی را ندارند؟

پاسخ: اگرچه عده ای با ایجاد چنین خلط و شبهه در پی ناکارآمد جلوه دادن حجاب می باشند، لکن در پاسخ به چنین اشکالاتی ذکر نکاتی لازم می باشد که در ذیل به آنان اشاره می نمائیم.

اولاً؛ حجابی که چنین کسانی در پی نقد آن هستند حجاب ظاهری یا به عبارت دیگر حجاب در پوشش می باشد در حالیکه نگارنده در نوشته فوق حجاب را تقسیم به حجاب در پوشش، نگاه کردن، رفتار و گفتار کرد و حجاب در پوشش تنها یکی از انواع حجاب می باشد لذا نمی توان با چند مورد بزهکاری یا بزه دیدگی کسانی که حجاب ظاهری دارند، تمام مسئله حجاب را زیر سوال برد و آنرا یک امر بی فایده معرفی کرد در حالیکه خداوند حکیم هیچ کاری را از روی عبث انجام نمی دهد و در مسئله حجاب نیز فوایدی نهفته است که به قدر توان و درک نگارنده انشاءالله در ادامه خواهد آمد. ثانیاً؛ در صورت رخ دادن جرائمی توسط زنان با حجاب در پوشش، مشکل این عده از زنان، ضعف در حجاب باطنی و فقدان ایمان و اعتقاد قوی به آثار مثبت حجاب و پوشش ظاهری وعدم رعایت دیگر انواع حجاب است و ایضا نگارنده منکر بزهکاری یا بزه دیدگی زنان با حجاب بطور مطلق نیست لکن حجاب در پیشگیری چنین اعمالی بسیار موثر است.

ثالثاً؛ کسانی که چنان نقدی می نمایند چرا در مورد جرائم یقه سفیدان که بسیار امر شایعی می باشد و مرتکبین آن مردان هستند، سخنی به میان نمی آورند در حالیکه جرائم این دسته از افراد بسیار مخرب تر و زیان های آن بر جامعه بیشتر است.

در نتیجه اگرچه حجاب در پوشش به تنهایی برای حفظ امنیت افراد اعم از زن و مرد کافی نیست، لکن بسیار موثر است و اولین گام در جهت حفظ امنیت و آرامش است و مانند حریمی می باشد که دیگران اجازه حتک حرز آنرا ندارند.

۱) عدم محدودیت در حجاب، آزادی در حجاب

برخی حجاب را محدودیتی می‌دانند که باعث تبعیض می‌گردد و مانع فعالیت زنان در جامعه می‌گردد. حجاب محدودیت آور نیست زیرا در احکام اسلامی برای مکلف هیچ گونه ضرر و زیانی راه ندارد، بطوری که این به یک قاعده فقهی در آمده است (قاعده لاضرر). اگر افراد بدانند که رعایت حجاب چقدر مفید می‌باشد و امنیت اجتماعی و روانی آنها را حفظ می‌نماید، مشتاقانه این امر را می‌پذیرند، چنانکه در جامعه کنونی بسیاری از حجاب استقبال می‌نمایند.

در پایان ذکر این نکته ضروری به نظر می‌آید که اساسا مسئله حجاب زمانی مطرح گردید و حائز اهمیت قرار گرفته شد که زنان در جامعه حضور پیدا کردند، پس اسلام نتنها با حضور زنان در جامعه مخالف نیست بلکه برای این حضور راهکار هایی نیز ارائه می‌نماید که یکی از آنان حجاب است، و در پرتو این حجاب است که افراد آزادانا و با امنیت می‌توانند با یکدیگر معاشرت و همکاری نمایند. سپس حجاب نتنها محدودیت آور نیست، بلکه آزادی رابه همراه دارد.

۲) حجاب مسئله فردی و اجتماعی است

حجاب اگرچه نسبت به شخص یک مسئله فردی می‌باشد لکن بخاطر حضور فرد در جامعه و روابط او با دیگران به یک پدیده اجتماعی مطرح می‌شود چرا که تبلیغات نقش به‌سزایی در اندیشه و باورهای افراد دارد و به همین علت مسئله تهاجه فرهنگی و مقابله با آن از اهمیت خاصی برخوردار است، لذا حجاب اسلامی نیز یک تبلیغ در جامعه است و فرد با حجاب تبلیغ کننده ارزش ها و رسالت های دین خویش می‌باشد.

حال که حجاب از محدوده فردی بودن خارج گردید و یک مسئله اجتماعی شد، بر مسئولین می‌باشد که این امر را سازماندهی کرده و بستر را برای حضور افراد با حجاب در صحنه های اجتماعی و مسئولیت پذیری آنان فراهم گردانند. مسئله امر به معروف و نهی از منکر که یک فریضه واجب می‌باشد نیز می‌تواند ابزار صحیح برا سامان بخشیدن

به این امر باشد، اگرچه شمول امر به معروف و نهی از منکر بسیار فراوان است و به جدیت می توان گفت در مسئله حجاب شامل تمامی اقسام آن می شود و آنچه امروزه از طرف برخی از دشمنان مطرح می گردد به هدف ناکارآمدی این مسئله و مخدوش جلوه دادن آن چیزی جز کینه ورزی و نیل به هدف های سیاسی خود و نشان دادن اسلام خشن در رسانه نیست.

در حالیکه انسان دیم سراسر رفعت و مهربانی است و تمامی احکام آن برای رشد، تعالی و امنیت روانی و اجتماعی و فردی شخص است.

۳) حجاب؛ بنیاد های نهاد خانواده را مستحکم می کند

خانواده به عنوان مهمترین رکن در نظام اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و این خانواده است که جامعه فعلی را می سازد و با تربیت صحیح فرزندان جامعه آینده را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. از اینرو رعایت حجاب چه در محیط خانه و چه در بیرون از آن بسیار حائز اهمیت است. مردان و زنانی که به اصول اخلاقی پایبند نیستند معضلی برای جامعه می باشند و بنیاد های خانواده را چه در بزهکاری و چه در بزه دیدگی از هم می پاشند. آمار نشان می دهد " ۹۸ درصد زنانی که مورد آزار خیابانی قرار می گیرند، بدحجاب هستند."

اگرچه این آمار نسبت به زنان بدحجاب در مورد جرم خاصی است لکن مردان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بسیاری از افرادی که به دلایل مختلفی در زندان بسر می برند خانواده آنها از نظر روحی در وضعیت نابسامانی بسر می برند. همینطور کسانی که مرتکب جرم می گردند در بسیاری از موارد در خانواده هایی رشد یافته اند که به اصول اخلاقی پایبند نبوده اند، از اینرو دادگاهها در کنار تشکیل پرونده کیفری پرونده شخصیتی نیز برای فرد ایجاد می نمایند تا به بررسی و تحلیل شخصی بزهکار پردازند.

۴) کاهش آمار جرایم

بسیاری از جرائم که در نیروی انتظامی باشکایت یکی از طرفین ثبت می شود و یا در دادسرا و دادگاه ها به آن رسیدگی می نمایند، جرائم کوچک و خرد هستند، لکن همین جرائم کوچک بعضاً از اهمیت بسیاری برخوردار است و آثار زیادی به دنبال دارد. از جمله این جرائم، جرائم اخلاقی می باشد که در طرفین و حتی خانواده های آنان پیامدهایی به دنبال دارد. اگر با آگاهی و عدم نگاه اغماض آمیز به مسئله حجاب بنگریم می توان خود و خانواده های خود را از چنین تنش ها در امان نگهداشت و به تبع از میزان جرائم کاسته و جامعه آرام و امنیت روانی خواهیم داشت.

گفتار ششم: حقوق همسر

خانواده مهم ترین نهاد اجتماعی است. زیر بنای اصلاح هر جامعه در خانواده شکل می گیرد. استحکام هر خانواده ای موجب استحکام روحی، جسمی افراد آن می شود. در این نوع خانواده ها اعضا حقوق و تکالیف خود را به خوبی درک و مورد عمل قرار می دهند و در نتیجه آن محیطی عاری از هر نوع ناهنجاری و توأم با آرامش و آسایش خواهد بود. تأثیر محیط خانواده به عنوان یکی از عوامل خارجی بزهکاری در حال حاضر توجه خاص متخصصان را جلب کرده است. (استفانی، ۱۳۷۷)

مبحث اول: امور مالی زن

در امور مالی زن در روابط زوجیت اصل استقلال مالی زن به عنوان مهم ترین قاعده مطرح است، چرا که در فقه اسلام زن نیز همانند مرد دارای کلیه ی حقوق مدنی است و با داشتن اهلیت در مسایل مالی و اقتصادی خود از استقلال و آزادی عمل برخوردار است و می تواند در اموال خویش هر گونه دخل و تصرفی بنماید، بدون آنکه به کسب موافقت شوهر نیازی داشته باشد. (محقق داماد، ۱۳۷۲)

قانون مدنی نیز به پیروی از فقه اسلامی، زن را از نظر مالی مستقل و برخوردار از حق تصرف شناخته و در ماده ی ۱۱۱۸ چنین مقرر کرده است: «زن مستقلاً می تواند در

دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد، بکند». از این رو شوهر باید این حق زن را به رسمیت بشناسد و بداند که هیچ گونه مداخله‌ای در اموال و دارایی زن را ندارد و ریاست او بر خانواده اختیاراتی برای او در این زمینه ایجاد نمی‌کند.

۱. پرداخت مهریه

حقوقدانان آثار عقد نکاح را در دو بخش آثار مالی و آثار غیر مالی بررسی می‌کنند، مهریه یکی از مهم‌ترین آثار مالی عقد ازدواج است. یادآوری می‌شود الزام مرد به پرداخت مهر، ریشه قراردادی ندارد و تابع اراده‌ی زوجین نیست؛ بلکه تکلیفی است که به حکم قانون بر مرد تحمیل می‌شود و به همین جهت سکوت زوجین نسبت به مهر یا حتی توافقشان بر نکاح بدون مهریه، تعهد مرد را به تملیک مهر به نفع همسرش از بین نمی‌برد.^۱

پرداخت مهر رسمی دیرینه است. این نهاد سنتی و مذهبی که حقوق ایران نیز آن را تأیید می‌کند بر حکمت خاصی مبتنی است، در مورد فلسفه‌ی مهر، گمانه‌زنی‌هایی صورت گرفته است ولی با توجه به آیات قرآنی همچون «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَهُ»^۲ می‌توان گفت حکمت مهر، ابراز علاقه‌ی شوهر به همسر خویش است، این عطیه و پیشکش که به تعبیر قرآن کریم «صداق» یعنی نشانه‌ی راستین بودن علاقه مرد به همسرش نام دارد، به زن تعلق دارد. با این بیان می‌توان مهر را نتیجه‌ی تدبیر حکیمانه‌ی ای است که جهت تحکیم روابط زن و شوهر به کار رفته است.

^۱ . ماده ۱۰۸۷ ق. م. مقرر می‌کند: «اگر در نکاح دائم، مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد، نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود، زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود.» چنانچه در ماده قید شده، این حکم، ویژه‌ی نکاح دائم است و به نص ماده ۱۰۹۵ ق. م. در نکاح منقطع، عدم ذکر مهر در عقد موجب بطلان است.

^۲ . نساء/ ۴

لزوم مهریه، منافاتی با استقلال اجتماعی و اقتصادی زن ندارد. بلکه مهریه تدبیری است که از ناحیه قانون خلقت برای بالا بردن ارزش زن و قرار دادن او در سطح عالیتر. مهریه به زن شخصیت می دهد. ارزش معنوی مهر برای زن بیشتر از ارزش مادی آن است. مهریه یکی از نمونه‌هایی است که می رساند زن و مرد با استعدادهای نامتشابهی آفریده شده اند و قانون خلقت از لحاظ حقوق فطری و طبیعی سندهای نامتشابهی به دست آنها داده است. (مطهری، ۱۳۵۷)

در حصن خانواده باید عدالت حکم فرما باشد زیرا اگر عدالت در خانواده حکم فرما باشد می تواند در سراسر اجتماع حکمفرما باشد. بارزترین مظهر عدالت حفظ حقوق زن است، جایز نیست که زن را تحت فشار قرار دهد آن سان که پاره ای از حقوق خود یا همه آن را بپردازد تا بتواند خویشتن را از دام شوهر نجات دهد. (مدرسی، ۱۳۷۷)

امروزه ایرادات و مناقشاتی را بر موضوع مهریه مطرح می سازند که تمام آنها به نگرش و برداشتی از مهریه ارتباط پیدا می کند که نکاح را معاوضه دانسته اند و رابطه‌ی زن و شوهر را به رابطه‌ی مالک و مملوک شبیه می‌سازد.^۱ در حالی که از منظر اسلام و به تبع آن در قوانین موضوعه‌ی کشوری، ازدواج، پیوندی مقدس و معنوی است و پرداخت مهر که به احساسات رقیق و عطوفت آمیز مرد پیوند خورده، نه احساسات خشن و مالکانه‌ی او، طرحی ظریف برای تحکیم این میثاق می باشد. بنابراین، نهاد مهریه در حقوق ایران بر منطق و فلسفه خاصی استوار است که باید ضمن آشنا ساختن زوج‌های جوان با آن قانونگذار را در مسیر تحقق آن یاری رساند.

حال با توجه به این که مهریه غالباً به هنگام متارکه و جدایی مطالبه می‌شود و همین امر هم مانع گسستن پیوند زناشویی و در واقع تضمینی برای دوام ازدواج به شمار

^۱ . از ایرادات مهریه این است که در حقوق ایران نگرش به زن به عنوان کالا و متاع بوده و او را مملوک مرد دانسته است و زوج با پرداخت بها و قیمت زن، یعنی مهر او را تملیک می کند. بنابراین مهر در نکاح، نقص شخصیت زن است.

می رود و از سوی دیگر، در صورت وقوع طلاق پرداخت آن به مطلقه، مانع پریشانی و استیصال وی در آینده می شود، باید دید قوانین موضوعه و به ویژه قانون مدنی تا چه اندازه توانسته است مقرراتی جامع و دربرگیرنده تمام زوایای موضوع ارائه دهد و کاستی های قانونی در این زمینه چیست؟

به اجمال اشاره ای می کنیم که نخستین خلأ قانونی، در شناسایی موارد استحقاق مهریه و محروم شدن زن از حق مهر می باشد؛ به این معنی که قانونگذار تمام مواردی را که زن به دلیل عقد نکاح مالک مهر می گردد و حق مطالبه ی آن را پیدا می کند، احصا و معرفی ننموده است.

درست است که در ماده ۱۰۸۲ اعلام می دارد: «به مجرد عقد، زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی را که بخواهد در آن بنماید»؛ اما بر خلاف این حکم، مواردی هم در قانون انعکاس یافته که زن حق مهر ندارد، چنان که در بعضی موارد صراحتاً محرومیت زن از مهر یا تنصیف آن را بیان می دارد.^۱

به نظر می رسد حکم مقنن در این باره قابل دفاع و واجد جنبه حمایتگرانه از زن به عنوان ذی نفع مهر نیست. زیرا در پاره ای موارد راه دفاع از حکم قانون ناهموار و با مقتضیات جامعه ناسازگار است. به لحاظ ابهام و اجمال گویی و کم توجهی حقوقدانان، زمینه ساز بروز پاره ای ایراد و انتقاد به وضع آن گشته است. خلأ و نقص قانونی در خصوص مهریه کاملاً محسوس است.

۱. در دو مورد قانونی صراحتاً می گوید زن حق مهر ندارد: ماده ۱۰۸۸ در فوت احد زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی در نکاح مفوضه البضع- نکاح بدون مهر- و دوم ماده ۱۱۰۱ (در فسخ قبل از نزدیکی)؛ در دو مورد هم حق مهر زن تنصیف می گردد: یکی در طلاق قبل از نزدیکی (ماده ۱۰۹۲) و دیگر در فسخی که به علت عنن باشد. (ماده ۱۱۰۱).

۲. تأمین نفقه

تأمین بودجه کانون خانواده و پرداخت نفقه از موجبات تشدید مبانی خانواده و از لوازم تأسیس و صیانت آن است. حمایت از زوجه و خانواده اقتضا دارد شوهر نفقه و هزینه‌های ضروری آنان را پرداخت نماید.

فلسفه‌ی وجوب نفقه زن بر مرد دلیل مخالفت اسلام با فعالیت‌های اقتصادی، علمی، اجتماعی زنان نیست، بلکه مشوق هم هست، به شرطی که فعالیت‌های اقتصادی، علمی و اجتماعی، موجب از خود بیگانگی آنان نشود. قانون خلقت برای اینکه زن و مرد را بهتر و بیشتر به یکدیگر پیوند دهد و کانون خانوادگی را - که پایه‌ی اصلی سعادت بشر است - استوار سازد، زن و مرد را نیازمند به یکدیگر آفریده است. اگر از جنبه مالی مرد را نقطه اتکاء زن قرار داده است، از جنبه آسایش روحی زن را نقطه اتکاء مرد قرار داده است. این دو نیاز مختلف، بیشتر آنها را به یکدیگر نزدیک و متحد می‌کند و خانواده از بسیاری انحرافات به دور خواهد ماند چنانکه گفته شده؛ الغاء نفقه موجب ازدیاد فحشا می‌شود. (مطهری، ۱۳۵۳) امروزه در کشورهای عربی عناصر نفقه و اجزای آن با ضابطه‌های دقیق‌تری شناسایی شده و شاید بتوان گفت قوانین این کشورها از قانون مدنی ایران پیشرفته‌تر است.^۱

فقه‌ها نیز ملاک وجوب نفقه را مباشرت به معروف دانسته (شهید ثانی، ۱۴۰۳) و در نتیجه شناسایی موضوعات نفقه را به عرف و عادت محول نموده‌اند و شامل تمام نیازمندی‌های زن می‌دانند. (نجفی، ۱۴۱۹) بنابراین باید تمام وسایلی را که زن با توجه به درجه‌ی تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی اش بدان نیازمند است داخل در نفقه است. (نجفی، ۱۴۱۹)

در طرز تفکر اسلامی با توجه به ارزش و کرامتی که اسلام برای زن قائل شده و برخلاف طرز تفکر پیشینیان، مسلمانان احترام به زن را از آثار اخلاق جوانمردانه دانسته

^۱ . قانون احوال شخصیه سوریه، ماده ۷۱؛ قانون احوال شخصیه عراق، ماده ۲۴ و ۱۷.

و همیشه زنان را مورد ادب و تکریم خویش قرار می دادند و پرداخت هزینه‌های ضروری زندگی زن را از وظایف خود دانسته و سختگیری در این مورد را مضمون می دانستند. قانون مدنی در ماده ۱۱۰۷ نفقه را «عبارت از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن» دانسته است.

به نظر می‌رسد در این مورد باید وضع زوجین مورد لحاظ قرار گیرد، زیرا اگر مرد ثروتمندی زنی از خانواده‌های فرودست انتخاب کند گذشته زن مبنای تکلیف و پرداخت نفقه خواهد بود و حال این که این امر خلاف انصاف و عدالت است. به عکس اگر زن ثروتمندی همسر مردی از طبقات پایین باشد، نمی‌تواند از شوهر انتظار داشت زندگی اشرافی را فراهم کند. بنابراین بهتر بود مقنن وضع زوجین را ملاک قرار می‌داد.

نتیجه گیری

درباره مجرمیت زن دو یافته وجود دارد که مردم کم و بیش از آن باخبرند. نخستین و مشهور ترین یافته این است که در دوره های طولانی و در سیستم های قضایی متفاوت زنان به طور مداوم میزان جرم رسمی کمتری نسبت به مردان داشته اند. به دیگر سخن، زنان نه تنها کمتر از مردان مرتکب جرم می شوند بلکه آنها به قدری کم مرتکب جرم می شوند که محکومیت هایی که از نظر آماری برای مردان است، برای زنان غیر طبیعی به نظر می‌رسد. دومین یافته که به وسیله حامیان حقوق زنان و دیگران بر آن تاکید می شود، این است که این میزان مشارکت پایین به طور کافی مورد توجه و مطالعه قرار نگرفته است. در حالی که قله کوه یخی، یعنی میزان جرم گزارش و ثبت شده ممکن است، قابل رویت باشد؛ جرایم بسیاری وجود دارند که گزارش و ثبت نمی شوند. به طوری که افزایش مداوم جرم ممکن است بازتاب افزایش جرایم گزارش و ثبت شده و نه مربوط به افزایش واقعی تعداد جرایم باشد. آنچه مهم است، شیوه مقابله و کنترل بزه زنان است. پذیرش این مطلب ضروری است که بزهکاری با مشارکت آگاهانه یا عمدتاً ناآگاهانه بزه دیدگان در جرایم ارتكابی صورت می گیرد و در این راستا باید به زنان به

عنوان آسیب پذیر ترین اقشار جامعه توجه خاص مبذول داشت. در حقیقت با ارتقای سطح آگاهی بزه دیدگان نسبت به حمایت و محافظت بیشتر از آنان در مواردی که در معرض خطر جرم هستند، اقدام نمود.

امید است با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و نقش اساسی آن در کاهش یا حذف بزهکاری زنان، زمینه رفع مسائل و معضلات فعلی برطرف شود؛ ان شاء الله تعالی.



منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. آبوت، پاملا؛ والاس، کالر؛ **جامعه شناسی زنان**، ترجمه‌ی منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی، چاپ ۶، ۱۳۸۸.
۲. اداره کل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (مرکز بین المللی پیشگیری از جرم)؛ **عدالت برای بزه دیده گان**، ترجمه‌ی علی شایان، تهران: سلسبیل، ۱۳۸۴.
۳. اردبیلی، محمد علی؛ **پیشگیری از اعتیاد**، مجموعه مقالات، تهران: انتشارات روزنامه رسمی، چاپ ۱، ۱۳۷۹.
۴. استفانی، گاستون؛ بولوک، برنار و لواسور، ژرژ؛ **حقوق جزای عمومی**، ترجمه‌ی حسن دادبان، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، جلد ۲، ۱۳۷۷.
۵. اسدی، طیبه؛ **گزارش خشونت علیه زنان در ایران**، تهران: سازمان دفاع از قربانیان خشونت، ۱۳۸۱.
۶. اعزازی، شهلا؛ **جامعه شناسی خانواده**، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ ۱، ۱۳۷۶.
۷. بستان نجفی، حسین و همکاران؛ **اسلام و جامعه شناسی خانواده**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ ۲، ۱۳۸۵.
۸. بکاربا، سزار؛ **رساله جرایم و مجازات ها**، ترجمه‌ی محمد علی اردبیلی، تهران: نشر میزان، چاپ ۴، ۱۳۸۰.
۹. بهشتی، احمد؛ **مسائل و مشکلات خانوادگی**، تهران: شرکت چاپ و نشر بین المللی، چاپ ۲، ۱۳۸۴.
۱۰. بولک، برنار؛ **کیفر شناسی**، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: انتشارات مجد، چاپ ۴، ۱۳۸۴.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی